

طریق حیات خود و نظام مخلوق و خالق خود را به آتکای گسترش علم، پیوند اطلاعات و عمل، تعمیم کاربرد نظامی اطلاعات به همه حوزه‌های زندگی از حیث کارایی و صرفه اقتصادی، تحول مشارکت اجتماعی، افزایش تکثر فرهنگی، تجدید مهارت کاری و نه مهارت زدایی از آن (Zuboff, 1988)، ارتقای نگرش‌ها و غنای منافع، تغییر مناسبات طبقاتی، تعمیق امکان تنازع و ستیزه عقلمانی گروه‌ها و حکومت‌ها و رشد جنبش‌های جمعی مستند دارد و طرحی نو از خلقت در افکند.

در این نگرش به جامعه اطلاعاتی چند فرض اصولی وجود دارد که بی توجه به آنها نمی توان چنین تعریفی را به شکل موضوعه در نظر آورد. نخست می توان همچون مامفورد (Mumford, 1934) گمان داشت که در جامعه اطلاعاتی انسان بر تکنولوژی و سایر شرایط اجتماعی تابع و متبوع یا سابق و مسبوق آن حاکم است و قادر است آن را شکل دهد، تقویت کند و برای ثروتمندی و قدرتمندی و در یک کلام برای بهروزی از آن منتفع گردد. به بیان دیگر، از این منظر، توجه به امکان حضور و مداخله اراده خلاق آدمی برای بازسازی و نوسازی جامعه اطلاعاتی در راستای رفع نیازها و اهداف فردی و جمعی ضرورت دارد و همین امر توجه به ساخت و کارکرد خرده نظام‌های این جامعه یعنی نظام ارگانسیم‌های رفتاری، نظام‌های شخصیتی، نظام‌های اجتماعی و نظام الگوهای رفتاری را حتمی و بلکه واجب می سازد. ثانیاً جامعه اطلاعاتی به نحو متقارن با این خرده نظام‌ها، از خرده نظام‌های کلان اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نیز تشکیل شده است و لذا در آن تعیین یکسویه عمودی یا افقی اقتصاد و تکنولوژی مطرح نیست. به همین جهت نیز هر چند لاش و یوری (Lash, & Urry, 1987, 1994) و اوفه (Offe, 1985) به تغییرات حادث در اقتصاد و سیاست و جامعه و فرهنگ نظام اجتماعی اطلاعاتی نگرسته اند اما این تغییرات را به لحاظ تعیین گرایی غالباً به عنوان نوعی سازمان نیافتگی نظام سرمایه داری تعبیر کرده اند تا تجدید سازمان نظام سرمایه داری. ثالثاً مناسبات سیبرنتیکی

اگر در عصر کنونی، مراد از جهانی شدن را گسترده‌گی مناسبات پیچیده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دول و جوامع سازنده نظام معاصر بین المللی در راستای غلبه بر فواصل فضایی و زمانی و رابطه‌ای تعبیر کنیم در این صورت می توانیم دو نکته بلافصل را استنتاج نماییم. نخست آن که در جهان فعلی «اگر دولت‌ها نخواهند قدرت خود را کاملاً در زمینه فرهنگ، ارتباطات و اطلاع رسانی به کار گیرند... دیگر قادر به اعمال سیاست‌های ملی نخواهند بود» (Lacroin & Trembluy, 1997: 113). از سوی دیگر، دومین استنتاج از قضیه فوق آن است که سیاست‌های ملی هم از شناسایی مؤلفه‌ها، کارگزاران، ساخت و کارکرد جامعه اطلاعاتی چونان وجه جدید نظام‌های اجتماعی معاصر مایه می گیرد و در واقع بدون آتکا به چنین شناختی، سیاست‌های ملی راه به جایی نمی برند.

بر این پایه در مقاله حاضر می خواهیم بدانیم اولاً جامعه اطلاعاتی چگونه جامعه‌ای است و در این عرصه، فحوای مؤلفه اطلاعات و کارگزار تکنولوژی اطلاع رسانی چه می تواند باشد؟ ثانیاً جامعه اطلاعاتی از چه اجزای ساختی و مقتضیات کارکردی برخوردار است؟ و ثالثاً گفتمان‌های تحلیلی معطوف به ساخت و کارکرد جامعه اطلاعاتی را در قالب چه دسته‌بندی‌هایی می توان به نقد و سنجش گذاشت. در نهایت نیز کوشش نوشتار حاضر بر آن است که تصویری مجمل از ادراک جامعه شناختی نسبت به جامعه اطلاعاتی و ابعاد آن استنتاج و ترسیم نماید.

تعریف جامعه اطلاعاتی

جامعه اطلاعاتی (information society) برایه تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاع رسانی معطوف به خواست انسانی، عهده دار باز تولید سازمان یافته ساخت سرمایه داری جهانی معاصر است. به دیگر سخن، جامعه اطلاعاتی چونان مخلوق و خالق نظام سرمایه داری جهانی نو، فضای عمومی جدیدی را بر اساس ارتباطات الکترونیکی و فرایندهای اطلاع رسانی پی می افکند تا از این

جامعه در عصر اطلاعات

عباس محمدی اصل

○ جامعه اطلاعاتی
جامعه‌ای است که بخش
اعظم نیروهای کاری آن
عهدده‌دار جریان
اطلاع‌رسانی هستند و با
فعالیت‌های خویش زمینه‌ساز
عملکرد سایر بخش‌های
اقتصادی - خدماتی
می‌گردند.

تولید اطلاعات ناظر به فرایند عرضه اطلاعات قابل دسترس به شکل محصولات مکتوب و مضبوط است که بهره‌گیران نظام اطلاعاتی یعنی اشخاص بالقوه و بالفعل مراجعه‌کننده به اطلاعات تولیدی یا موجود در شبکه اطلاع‌رسانی را منتفع می‌سازد. به همین سان، شبکه اطلاع‌رسانی متضمن مجموعه مراکز اطلاع‌رسانی ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی است که به مبادله مشروط اطلاعات با یکدیگر می‌پردازند. در این فرایند اطلاع‌رسانی نیز سه عنصر مضمون، محمل و کاربرد بسیار حائز اهمیت است. از این زاویه در واقع مضمون، تبلور دانش پدید آورنده است و بواسطه متناسب‌سازی، قابلیت بازایی اطلاعاتی می‌یابد؛ محمل، وسیله یا مجرای انتقال پیام یا اندیشه است و کاربرد، حاکی از مجموعه عوامل تمهیدکننده قابلیت دریافت مضمون متکی به محملی خاص برای استفاده‌کنندگان است.

در این میان اطلاع‌رسانی ملی، مهمترین رکن شبکه اطلاع‌رسانی را تشکیل می‌دهد. نظام اطلاع‌رسانی ملی، مجموعه هدفمندی از عناصر مادی (نهاد ملی اطلاع‌رسانی، نیروی انسانی، تجهیزات، سخت‌افزار، متون و مدارک) و غیر مادی (قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، استانداردها، ضوابط و شرایط مورد توافق) است که در جهت تحقق اهداف نظام اطلاع‌رسانی به تعامل و سازگاری می‌رسند. افزایش حجم اسناد و پیچیدگی آنها، رشد امکانات بهره‌گیری از این اسناد، افزایش استفاده از اطلاعات، دگرگونی روش کار با اسناد و هماهنگی سیاست‌های ملی اطلاع‌رسانی از مهمترین ضرورت‌های تشکیل نظام ملی اطلاع‌رسانی است و در این راستا نظام مزبور کارکردهایی چون شناسایی و رفع نیازهای ملی اطلاع‌رسانی، تضمین وجود و امکان دسترسی به اطلاعات، ذخیره‌سازی اطلاعات، گردآوری و روزآمدسازی اطلاعات و تهیه استانداردها و استراتژی‌های همساز نظام اطلاع‌رسانی ملی و بین‌المللی را برمی‌آورد. به این ترتیب روشن است که تدوین سیاست‌های اطلاع‌رسانی، ایجاد انگیزه استفاده از اطلاعات در کاربران بر پایه سنجش نیازهای آنان، ترویج عادت مطالعه و تحلیل منابع اطلاعاتی موجود بر حسب نیازهای منابع انسانی نیز

خرده‌نظام‌های اجتماعی جامعه اطلاعاتی بر حسب کنترل اطلاعاتی انرژی بدان سومیل می‌کند که تعاملاتی به هم پیوسته و همبسته میان خرده‌نظام‌های اجتماعی این جامعه برقرار کند تا جایی که همچون فین برگ (Feenberg, 1991) می‌توان گفت در این جامعه، تکنیک به مشابه ابزاری اقتصادی است که انسان‌ها قادرند آن را فعالانه، ولی تحت کنترل فرهنگ و در راستای تحقق اهداف سیاسی به کار گیرند. در اینجا شایان ذکر است که این فرض، رأی پست‌مدون بودریار (Baudrillard, 1993) را مبنی بر اینکه تکنولوژی و نه روابط اقتصادی - اجتماعی اصل جدید سازمان‌دهنده جامعه است بر نمی‌تابد و سرانجام هم‌آواز با کلتنر (Kellner, 1989 a,b) می‌توان مدعی شد که جامعه جهانی جدید، نوعی جامعه فن- سرمایه‌دارانه است که علیرغم جامعه سرمایه‌داری کلاسیک و تأکیدات آن بر نقش تکنولوژی و برتری روابط تولید سرمایه‌ای و انباشت سرمایه و تولید و توزیع و مصرف مسلط بر قلمروهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، به تفسیر شکل جامعه سرمایه‌داری به وجهی می‌اندیشد که در آن تکنولوژی نه برای سلطه بر سایر خرده‌نظام‌های اجتماعی، که برای اعتلای آزادی فرهنگی انسان اجتماعی، شیوه‌های جدید سازماندهی اقتصاد و سیاست و اجتماع و فرهنگ را تمهید می‌کند.

مؤلفه‌ها و کارگزاران جامعه اطلاعاتی

چنانکه از نام جامعه اطلاعاتی برمی‌آید مهمترین مؤلفه این جامعه، اطلاعات و مهمترین کارگزار آن، تکنولوژی اطلاع‌رسانی است. از این نگره، اطلاعات عبارت از هر شکل ثبت شده یا نشده از دانش منتشره یا دریافتی راجع به موضوع یا محیطی ویژه است که برای استفاده جویندگان بالقوه و بالفعل، متناسب و آماده می‌گردد. اطلاع‌رسانی نیز عبارت از مجموعه کنش‌ها، تعاملات و پویای‌های مربوط به تولید، گردآوری، پردازش، پخش، توزیع، مصرف، انتقال و مدیریت اطلاعات است که با افزایش امکان مبادله اطلاعات و رشد آگاهی‌ها و قابلیت‌ها، تسهیل تصمیم‌گیری و ضرورت‌آرشد بهره‌وری را دامن می‌زند. در اینجا

از عمده‌ترین اهداف نظام ملی اطلاع‌رسانی به‌شمار می‌آید.

ساخت جامعه اطلاعاتی

با الهام از پارسونز، ساخت جامعه اطلاعاتی در سطوح خرد و کلان و با فرض کنترل سیبرنتیکی انرژی توسط اطلاعات، در قالب نقشه ذیل قابل پیگیری است:

کامپیوتر و افزایش حیرت‌انگیز قدرت و کاربرد آن در هر جا و همه‌جاست» (Office of Tech-nology Assessment; 1990: 46) و انگهی در این جامعه به برکت تلفیق ارتباطات راه دور و محاسبه‌گری، سازمان‌ها و نهادها و افراد به لحاظ مبادله اطلاعات با یکدیگر مرتبط می‌شوند. به دیگر سخن، در این جامعه «انقلاب کامپیوتری... تأثیری شدید و قطعی دارد و هیچ شأنی از شئون

○ از دیدگاه
فن‌پرستانه، تکنولوژی
اطلاعاتی جدید ابزار حل
مسائل و رهایی انسانهاست
و در آرمانشهر کامپیوتری،
انتقال فرصتهای بهتر
زیست جمعی از
بهره‌برداری نیکخواهانه از
اطلاعات حکایت دارد.

سطح تحلیل	خرده نظام‌های کلان	حلقه‌های نهادینه واسط	خرده نظام‌های خرد
۴	فرهنگ	نمادها و گرایش‌ها	نظام الگوهای رفتاری
۳	اجتماع	آموزش	نظام اجتماعی
۲	سیاست	بوروکراسی	نظام شخصیتی
۱	اقتصاد	تکنولوژی	نظام ارگانسیم رفتاری

زندگی را بی‌نهییب نمی‌گذارد» (Evans, 1979:13); تاجایی که در مقایسه این تأثیر گذاری میان ادوار تاریخی می‌توان گفت «در این جامعه، تکنولوژی کامپیوتر برای عصر اطلاعات مانند مکانیزاسیون برای انقلاب صنعتی نمودار شده است» (Naisbit, 1984: 28). سرانجام، در همین سطح اگر نظام ارگانسیم رفتاری را حامل نقش‌های شغلی تلقی کنیم می‌توانیم بگوییم که جامعه اطلاعاتی از «روشنفکران و زیدگان فنی تشکیل شده است» (Gouldner, 1979:53). به دیگر سخن، جامعه اطلاعاتی از برتری مشاغل اطلاعاتی (کارمندان، معلمان، و کلا) نسبت به مشاغل غیر اطلاعاتی (کارگران صنایع و معادن) برخوردار است. هرچند در این حیطه «طبقه‌بندی‌های کار که مشمول عناوین مختلف می‌گردند، اغلب بی‌نهایت ناهمگند» (Miles, 1991:1917) لیکن در چنین جامعه‌ای «تنها اقلیتی کاهنده از نیروی کار در کارخانه‌ها زحمت می‌کشند... و بازار کار اینک به وسیله کارکنان اطلاعاتی که زندگی خود را از راه دسترسی به اطلاعات لازم جهت انجام امور می‌گذرانند تسخیر شده است» (Stonier, 1983:7-8). اضافه بر این، هرچند دسته‌بندی کارکنان اطلاعاتی از سلسله‌مراتب و دیگر ویژگی‌های اجتماعی آنان چیزی نمی‌گوید و همچنین «تعیین اینکه دقیقاً چه کسی کارکن اطلاعاتی هست و نیست موضوع

در سطح اول چنین تحلیلی به نظر می‌رسد که جامعه اطلاعاتی مبتنی بر اقتصاد اطلاعات یا به عبارتی صنایع اطلاعاتی است. اصلی‌ترین این صنایع نیز با تأکید بر تولید ناخالص ملی (GNP) عبارتند از نهادهای آموزشی (مدارس، کتابخانه‌ها، دانشکده‌ها)، وسایل ارتباط جمعی (رادیو و تلویزیون، تبلیغات)، ماشین‌های اطلاعاتی (کامپیوتر، آلات موسیقی)، خدمات اطلاعاتی (قانون، بیمه، دارو، درمان) و سایر فعالیت‌های اطلاعاتی (تحقیق و توسعه، فعالیت‌های غیرانتفاعی). در هر حال این جامعه از «اقتصاد مبتنی بر کالا... به اقتصاد مبتنی بر دانش انتقال یافته است» (Drucker, 1969: 247) و «ویژگی ممتاز آن... نیز این است که در آن دانش و سازمان، خالق اصلی ثروتند» (Karunaratne, 1986:52). در این بین برای نمونه «ایالات متحده آمریکا اکنون دارای یک اقتصاد اطلاعاتی است» (Porat, 1978:11) که صنایع اطلاعاتی آن یا موجد اطلاعات جدیدند یا اطلاعات جدیدی را مخابره می‌کنند. از سوی دیگر، حلقه نهادینه واسط میان اقتصاد و نظام ارگانسیم رفتاری در چنین جامعه‌ای، تکنولوژی است. از این منظر، جامعه اطلاعاتی مبتنی بر نوآرهای فنی به وجهی است که پردازش، ذخیره‌سازی و انتقال اطلاعات را به کلیه عرصه‌های زیست جمعی بسط می‌دهد. در این جامعه «مسئله اصلی، کاهش شگفت قیمت

○ در جامعه اطلاعاتی،
علیرغم ظاهر فردگرایانه
رابطه با کامپیوتر و
اطلاعات، تماس‌های
متنوع اجتماعی گسترش
می‌یابد و استقلال رشد و
شکوفایی اعضای نظام
اجتماعی را از زمان و مکان
برمی‌آورد.

طبق منافع جمعی می‌باشد. شایان ذکر است که در این جامعه، شبکه‌های اطلاعاتی با اتصال نقاط مکانی و زمانی و تسریع پردازش و تبادل سریع و مؤثر اطلاعات، سازمان‌زمان و فضا را از محدودیت خارج می‌کند و بزرگراه‌های اطلاعاتی آن بر وسعت حق انتخاب و عملکرد آدمیان می‌افزاید.

سطح سوم این تحلیل، اجتماع را از طریق آموزش به نظام اجتماعی می‌پیوندد. از این لحاظ جامعه اطلاعاتی در عرصه بین‌المللی، نظامی به نسبت خود کفارا به نمایش می‌گذارد که یگانگی نظام‌های اجتماعی ملی را از کانال فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری، درونی و نهادینه می‌کند. چنین عرصه‌ای، انسجام اجتماعی نوری پدید می‌آورد که در آن عنصر مسئولیت‌پذیری، ممد شکوفایی فردی و جمعی می‌گردد. وانگهی، رشد فرصت‌های اجتماعی، فارغ از فشارها و موانع متعدد، زمینه را برای غنای روحیه مشارکت جمعی فراهم می‌سازد؛ زیرا در جامعه اطلاعاتی علیرغم ظاهر فردگرایانه رابطه با کامپیوتر و اطلاعات، تماس‌های متنوع اجتماعی گسترش می‌یابد و همین امر علایق جمعی را پیوند می‌دهد. چنین مهمی از طریق آموزش رسانه‌ای تحقق پیدا می‌کند و تاجایی پیش می‌رود که استقلال رشد و شکوفایی اعضای نظام اجتماعی از زمان و مکان را برمی‌آورد. بدینسان در جامعه اطلاعاتی، نظام‌های اجتماعی و جامعه‌ای از طریق آموزش رسانه‌ای درهم تلفیق می‌شود و عصر جدیدی را در تاریخ جامعه بشری به تصویر می‌کشد.

سرانجام، چهارمین سطح تحلیل اجتماعی، متضمن توجه به خرده‌نظام فرهنگ در ساخت جامعه اطلاعاتی است. چنان‌که روشن است در جامعه اطلاعاتی با فزونی اطلاعات در چرخه زیست اجتماعی و ضرورت استفاده از پیام‌های رسانه‌ای آن به منظور تداوم پایدار زندگی اجتماعی مواجه‌ایم. از این رو مبادله چنین گستره‌ای از اطلاعات بر شناخت، باورها، آداب و رسوم و سبک‌های زندگی به شکل عام تأثیر می‌گذارد. «در این جامعه، اطلاعات برای تشریح آن چیزی آمده است که برای انتقال از طریق کانال متصل کننده یک منبع به یک گیرنده صرف نظر از محتوای معنای آن می‌تواند کدگذاری شود». (Roszak, 1986:13).

خطیری می‌نماید» (Porat, 1978:5) لیکن در یک نگاه اجمالی می‌توان کارکنان مزبور را به اتکای مشاغل آنان به سه دسته تقسیم کرد: «دسته اول شامل کارکنانی می‌شوند که نتیجه کار آنها به صورت فعالیت اولیه، تولید و فروش دانش است. این دسته شامل دانشمندان، نوآوران، معلمان، کتابداران، روزنامه‌نگاران و مؤلفان می‌شود. دومین طبقه اصلی کارکنان نیز شامل آنهایی است که اطلاعات را جمع‌آوری و منتشر می‌کنند. این کارکنان اطلاعات را در شرکت‌ها و بازارها حرکت می‌دهند و به علاوه، اطلاعات بازار را جستجو، هماهنگ، طرح‌ریزی و پردازش می‌کنند. در این دسته مدیران، منشی‌ها، کارمندان و بطور کلی دلالان و ماشین‌نویسان قرار می‌گیرند. آخرین طبقه نیز شامل کارکنانی می‌شود که دستگاه‌ها و تکنولوژی‌های اطلاعاتی مقوم فعالیت قبلی را اداره می‌کنند. این دسته هم شامل کاربران کامپیوتر، نصابان تلفن و تعمیرکاران تلویزیون می‌باشند» (Porat, 1978: 5-6).

در سطح دوم این تحلیل، موضوع سیاست جامعه اطلاعاتی خودنمایی می‌کند. از این حیث در جامعه اطلاعاتی، نوآوری‌های جدید اطلاع‌رسانی شامل مجموعه مصنوعات و فعالیت‌هایی است که برای اجرای طرح‌ها و برنامه‌های گروهی و فردی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. از این نگره با اصلاح بخش عمومی توسط جامعه اطلاعاتی، دولت باز آفرینی می‌شود. اصلاح بخش عمومی نیز مترادف کاهش هزینه‌ها، جلوگیری از اتلاف و سوءمدیریت، افزایش کارایی، تضمین امنیت، رشد و توسعه موزون و افزایش ژرفای رفاه اجتماعی از طریق مکانیزم‌های بوروکراسی است. برای تحقق این امور نیز بخش عمومی بایستی به ارضای بوروکراتیک نیازها، جایگزینی مشارکت به جای سلسله‌مراتب، تبدیل درمان به پیشگیری، کسب درآمد به جای هزینه کردن، قدرتمندسازی به جای خدمتگزاری، و هدایت و رهبری به جای فعالیت و اجرا تمایل یابد. در این صورت، احساس تعلق جمعی که از این رهگیر به نظام شخصیتی دست می‌دهد متضمن عناصری چون خودارزیابی، واگذاری اختیار تصمیم‌گیری و اجرای هماهنگ خواست‌ها بر

اندیشمندانی چون گیتس (Gates, 1995) تکنولوژی اطلاعاتی جدید، ابزار حل مسائل و رهایی انسانهاست و این جامعه توجوه واقع نوعی سرمایه دانش‌پژوهانه است. در این جامعه «تجربیات متنوع در زمینه هنر، فرهنگ، تکنولوژی و رسانه‌های مدرن، فضاهای الکترونیکی آفریده‌اند و از این طریق ادراک حسی از فضا را تغییر داده‌اند. به دیگر سخن، جذابیت‌های حسی و ادراکی و هماهنگی زیبایی‌شناسانه در صورت‌ها و نمادها، طیفی گسترده از ادراک و دریافت فراهم آورده و شناخت‌ها، نگرش‌ها و چشم‌اندازهای جدیدی خلق کرده است» (Yearbook of Tele-communication and Society, 1999: 247). بدین‌سان در آرمانشهر کامپیوتری، انتقال فرصت‌های بهتر زیست جمعی از بهره‌برداری نیکخواهانه از اطلاعات حکایت دارد. اما از چشم‌انداز فن‌هراسانه به سردمداری متفکرانی چون داگلاس و لولشیکر (Douglas & Olshaker, 1996) تکنولوژی اطلاعاتی جدید مایه عذاب و منشأ مشکلات انسان‌هاست؛ زیرا بشر از این رهگذر به ورطه واقعیت‌گرایی افراطی یا بیگانگی با طبیعت و مردم و کار و خود افتاده است. به این ترتیب در جامعه اطلاعاتی، تکنولوژی ابزار حاکمیت طبقه سرمایه‌دار جدید و سرکوب و تفرق‌فروستان و اغرای آنهاست. این جامعه در صدد انسان‌زدایی، توده‌ای کردن اجتماع، غصب آزادی و قدرت افراد است و به همین لحاظ مانعی اساسی در سر راه تحقق مردم‌سالاری است. وانگهی، در جامعه اطلاعاتی «تلاش برای زدن بر چسب قیمت بر چیزهایی مانند آموزش و پژوهش و هنر است» (Machlup, 1982: 23) و این امر نیز موجب غفلت از ارزش‌های غایی فرهنگی می‌گردد؛ به‌وجهی که می‌توان مدعی شد پس از اندکی در همین جامعه کامپیوتر «ناقوس مرگ نظام صنعتی و تولد تمدنی جدید را به‌صدا می‌آورد» (Toffler, 1980:2). به هر تقدیر، از این منظر جامعه اطلاعاتی رفته‌رفته شهرهای دو وجهی را با دو قطب فقیر و غنی سامان می‌دهد (Castells, 1989) که چنین مکان‌های استقرار حتی تحت عناوینی مانند پسامادر شهر (Post-Metropolis)، سیال شهر (Flexicity)، جهان

در این فرهنگ اشباع شده از پیام‌های رسانه‌ای، هويت معنا به خطر می‌افتد؛ زیرا در این جامعه «اطلاعات بیشتر و بیشتر، و معنا کمتر و کمتر حضور دارد». (Baudrillard, 1983:95). معنای این گفته نیز آن است که از قدرت دلالت‌نشانها در این جامعه بسیار کاسته می‌شود و احتمالات تفسیری در آن قوت می‌گیرد و لذا نشانها، مافوق واقعیت قرار می‌گیرند. بنابراین، در جامعه اطلاعاتی به لحاظ فرهنگی «اطلاعات وجود دارد و نیازی به درک وجود آن نیست. به دیگر سخن، لازم نمی‌آید در این جامعه وجود اطلاعات فهمیده شود و تفسیر آن نیز هیچ‌ذکاونتی نمی‌طلبد. در این عرصه، اطلاعات هم لازم نیست برای وجود داشتن، معنا داشته باشد؛ چرا که در هر حال اطلاعات وجود دارد» (Stonier, 1990: 21). پس از آنجا که در «جامعه اطلاعاتی، مجموعه معانی داریم که مخایره شده‌اند؛ اما هیچ معنایی ندارند» (Poster, 1990:63) لذا «برای نظریه‌پرداز اطلاعاتی، آنچه انتقال می‌دهیم خواه یک قضاوت، یک کلیشه سطحی یا آموزش عمیق یک حقیقت والا باشد و خواه استدلالی ناخوشایند اساساً موضوعیت ندارد» (Roszak, 1986:14). بدینسان معنایی که جامعه اطلاعاتی برای الگوهای رفتاری رقم می‌زند سبب می‌شود در این جامعه «اطلاعات سنجه کمی محضی برای مبادلات ارتباطی در نظر آید» (Roszak, 1986:11) و از این رهگذر، معنای واقعیت‌غایی فرهنگی به ایزاری عقلانی و فارغ از اهداف عاطفی تحویل گردد.

کارکردهای جامعه اطلاعاتی

بر پایه آنچه گذشت بطور کلی می‌توان کارکردهای جامعه اطلاعاتی را در ابعاد مثبت و منفی و از حیث ساخت‌های مختلف آن چنین دسته‌بندی کرد:

گفتمان‌های مربوط به کارکردهای

ساختی جامعه اطلاعاتی

گفتمان‌های مربوط به کارکردهای ساختی جامعه اطلاعاتی را می‌توان در سه جناح فن‌پرستانه، فن‌هراسانه و دیالکتیکی دسته‌بندی کرد.

از زاویه دید گناه‌پرستانه به نمایندگی

○ از چشم‌انداز فن‌هراسانه، تکنولوژی اطلاعاتی جدید مایه عذاب و منشأ مشکلات انسان‌هاست زیرا بشر از این رهگذر به ورطه واقعیت‌گرایی افراطی یا بیگانگی با طبیعت و مردم و کار و خود افتاده است.

سطح تحلیل	اجزای ساختی جامعه اطلاعاتی	کارکردهای مثبت	کارکردهای منفی
۴	فرهنگ	توجه به همسانی فرهنگها، کنترل هویت تاریخی توسط انسان، افزایش ارتباطات، رشد گفتمان آزاد، همدلی اخلاقی، نگرش عمیق به زندگی، شفافیت و مستند شدن شناخت، تغییر نحوه شناخت واقعیت، تعامل اندیشه و کار و زندگی و فن، ترکیب ثبات و تغییر و سطح و عمق و امکان و وجود، تجربه زیبایی شناسی جدید، انتقال ارزش دانش بر حسب مبادله پیام های مشترک.	رشد توقعات نامشروط، اغتشاش فرهنگی، آشفتگی اطلاعات بی معنی، ابهام مرز واقعیت و ذهنیت، زودباوری، نفی عقلانیت.
۳	اجتماع	انسجام اجتماعی و هویت شخصی، پیوند روحیه مسئولیت پذیری یا شکوفایی اجتماعی، رشد انگیزه مشارکت جمعی، رشد تماس و علائق افراد، یادگیری رسانه ای، استقلال رشد و شکوفایی شخصیت از زمان و مکان، ترکیب نظام های فردی و اجتماعی از طریق آموزش.	گسیختگی اخلاقی بافت اجتماعی، فقدان زبان اجتماعی، تضعیف طبقه متوسط و بروز هرج و مرج
۲	سیاست	محلی زدایی، همگرایی منافع، رشد مشارکت از طریق شبکه های آزاد و شهرهای دیجیتال، احیای امکان تأثیر مدنی در تصمیم گیری، رشد اصلاحات برنامه ای.	فقدان کنترل بر اطلاعات، سلطه شرکت های تجاری فراملی، هدف گذاری فنی.
۱	اقتصاد	جهانی شدن امور مالی و بازاری، تحرک سرمایه و نیروی کار، کار از راه دور، بازار مالی جهانی، توسعه پایدار.	جایگزینی شهر و ند به عنوان مصرف کننده به جای شهر و ند به عنوان مشتری.

○ از منظر دیالکتیکی، جامعه اطلاعاتی می تواند هم ابزار سلطه و هم وسیله رهایی، هم ابزار تثبیت قدرت مطلقه و هم وسیله تحقق مردم سالاری باشد.

مواجهه نیستیم بلکه با روابط و نیروهای فنی روبرویم که امکان کنترل آنها در هر حال وجود دارد. به دیگر سخن، میان خرده نظام های جامعه اطلاعاتی، رابطه برقرار است و نه تعیین کنندگی و از این رو اولاً همچنان امکان دخالت اراده آزاد آدمی در عرصه کنترل آن باقی می ماند و ثانیاً پیوستگی ها و ناپیوستگی های جامعه صنعتی و بسا صنعتی را در ادوار غیر اطلاعاتی و اطلاعاتی می توان به شکلی همیش دنیال نمود. در هر حال از این منظر، جامعه اطلاعاتی بسط خواهد یافت و کلیه عرصه های علمی، هنری، فنی و حتی تفریحات را در خواهد نوردید؛ اما با همه اینها، امکان کنترل برنامه ای چنین جامعه ای نمی تواند منتفی باشد.

وطن شهر (Cosmopolis)، محافظ شهر (Exocity)، قطبی شهر (Polarity) و ساده شهر (Si-city) نمی تواند از صحنه های قطبی شده شهرهای آینده بشر جلو گیرد. (Soja, 1996). سرانجام رأی دیالکتیکی راجع به جامعه اطلاعاتی به پیشگامی خردورزانی چون بست و کلنر (Best & Kellner, 1997) به هدفمندی مردم سالاری اطلاعاتی و نه انباشت صرف سرمایه و تمرکز دولت-شرکت ها توجه دارد و می کوشد ابعاد مثبت و منفی جامعه اطلاعاتی را یکجا مورد تأمل قرار دهد. از این حیث، جامعه اطلاعاتی می تواند هم ابزار سلطه و هم وسیله رهایی باشد یا به عبارتی، هم ابزار تثبیت قدرت مطلقه و هم وسیله تحقق مردم سالاری باشد. در این نگرش با تعیین فن

خلاصه و نتیجه گیری

زیرا تغییر به واسطه میزان حضور کارکنان اطلاعاتی در سطح جامعه و رشد شبکه ارتباطی اجتماعی است که شنایی فرایندها حاصل می‌نماید. همچنین اگر چه اطلاعات می‌تواند به یکجانشینی اقلیمی، تمرکز اجتماعی، همسانی فرهنگی و قطبی شدن طبقات بینجامد اما در عین حال می‌تواند فرایند رشد را به سازمان توسعه پیوند زند و بر عقلانیت برنامه‌ریزی‌های انسانی-اجتماعی بیفزاید و البته این امر هنگامی ممکن است که تسهیلات آموزشی و تجهیز نیروی انسانی در رابطه‌ای منطقی با تولید و باز تولید اطلاعات قرار گیرد. در واقع، تنها در این صورت است که اطلاعات اهداف عقلانی فرد را با ادراک کلی منافع جمع درهم می‌آمیزد و ضمن کاهش اثرات کمبود سرمایه و نیروی کار موجب توازن برنامه‌ای، جلوگیری از عدم تعادل‌های منطقه‌ای و توزیع عادلانه درآمد متوسط سرانه را فراهم می‌آورد.

بدین سان واضح است که ارائه اطلاعات، مسأله‌ای با کاربرد آن نخواهد بود؛ چرا که در واقع می‌توان اطلاعات را به سطوح فراملی صادر کرد ولی استفاده ملی از آنها منوط به وجود امکانات و تجهیزات عملیاتی است. بدین ترتیب هر چند به نظر می‌رسد ساختهای اطلاعاتی جامعه، انسانها را به ایفای نقشهای بهینه محدود می‌کند اما اشاعه اطلاعات باعث افزایش آگاهی از فاصله طبقاتی و ملی و بین‌المللی از حیث امکانات و شرایط حیاتی زندگی می‌شود و با دامن زدن به توقعات فردی-جمعی، جهت تحولات ناگهانی را به سمت تغییراتی اصلاحی می‌کشد. البته در این میان این احتمال نیز وجود دارد که اطلاعات اشاعه یافته از سوی صاحبان منافع نفی یا قلب شود و این سرباهی اطلاعاتی به منظور استمرار صیانت ذات خود از سوی فرودستان خصلتی شبه واقعی بیاید.

در نهایت توجه به این نکته نیز ضرورت دارد که صرف حضور اطلاعات راه حل کلی مسائل اجتماعی نیست؛ بلکه این امر مبین سلسله مراتب تحقق راه حل‌های مزبور می‌باشد و به همین لحاظ است که تفکر جامعه‌شناختی از یک نظر برای تمهید انطباق افراد با ابداعات منبعث از مبادلات اطلاعاتی و ترکیب اطلاعات در فرایندهای کلان ساختی-سازمانی جامعه لازم می‌آید. به دیگر

از نگره سیبرنتیک، اطلاعات نوعی ماده یا نیرو است که می‌تواند در قالب صوت، خط و امواج رادیویی-الکترونیکی انتقال پیدا کند. وظیفه این ماده یا نیرو نیز به ابتدای شکل‌پذیری و انتشار ظرفیت امکانی وجود، تقلیل ابهام تغییرات احتمالی انتخاب گزینه‌های عملیاتی در وضعیت تصمیم‌گیری یا به عبارتی، وسعت بخشی به حق انتخاب آدمی است. پس اطلاعات از زاویه اجتماعی، عامل مسلط تعیین‌گر ایش و طرز تلقی است و بر این اساس، جهت‌گیری کنش‌ها، تعاملات و پویای اجتماعی را سامان می‌بخشد. افزون بر این، ارزش اطلاعات به میزان انطباق با واقعیت و تحقق پیش‌بینی‌های عینی آن باز می‌گردد و از این حیث امکان استمرار خود را بر پایه سودمندی عملی به دست می‌آورد.

با این همه، شایان توجه است که چون ارزشهای اطلاعاتی حسب خواستهای انسانی قابل تغییر می‌نماید لذا بدیهی است که ارتباطات نمادین محمل انتقال اطلاعات تلقی شود. از این رو، این جامعه است که حوزه تراکم و مبادلات اطلاعاتی را تکوین می‌بخشد و خود نیز به میزان تعیین‌داده‌رسانی به افراد حاضر در متن زندگی اجتماعی، خصلتی اطلاعاتی می‌یابد. به دیگر سخن می‌توان گفت جامعه اطلاعاتی جامعه‌ای است که بخش اعظم نیروهای کاری آن عهده‌دار جریان اطلاع‌رسانی هستند و با فعالیت‌های خویش زمینه‌ساز عملکرد سایر بخشهای اقتصادی-خدماتی می‌گردند. ضمناً از این منظر، کارکنان اطلاعاتی به افرادی اطلاق می‌شود که در زمینه داده-سنتانده مولد و پویای اطلاعات با دانش فنی اطلاع‌رسانی سروکار دارند و وجه عمده عملکردشان از طریق اطلاعات و وسایل ذی‌ربط سازمان‌دهی می‌شود. از سوی دیگر گفتنی است که تملک اطلاعات بر انحصار اجتماعی و طبقاتی شدن امکانات اجتماعی دامن می‌زند و عدم آزادی آن، اقتصاد اطلاعاتی را حاکم بر مبادله مواد و نیروها می‌گرداند.

برایه این استدلال به نظر می‌رسد اطلاعات جریان تغییرات اجتماعی را نیز تسریع می‌کند؛

○ تملک اطلاعات بر انحصار اجتماعی و طبقاتی شدن امکانات اجتماعی دامن می‌زند و عدم آزادی آن، اقتصاد اطلاعاتی را حاکم بر مبادله مواد و نیروها می‌گرداند.

○ اطلاع‌رسانی ملی،
مهمترین رکن شبکه
اطلاع‌رسانی را تشکیل
می‌دهد. نظام اطلاع‌رسانی
ملی مجموعه هدفمندی از
عناصر مادی و غیر مادی
است که در جهت تحقق
اهداف نظام اطلاع‌رسانی به
تعمامل و سازگاری
می‌رسند.

Marxism to Postmodernism and Beyond, Cambridge, Polity Press and Palo Alto, CA., Stanford University Press.

Kellner, D. (1999) "New Technologies: Technologies and The Prospects for Democratization", In J.Dawney and J.McGuigan (eds.), **Technocities**, New York, SAGE.

Lacroin, J. and Trembluy, R. (1997) "The States Role in the Sphere of Culture and Communication"; **Current Sociology**, Vol. 45.

Lash, S. and Urry, J. (1987) **The End of Organized Capitalism**, Cambridge, Polity Press.

Lash, S. and Urry, J. (1994) **Economies of Signs and Space**; London, SAGE.

Machlup, F. (1982) **The Production and Distribution of Knowledge in the United States**, Princeton, NJ: Princeton University Press.

Miles, I. (1991) "Measuring the Future: Statistics and the Information Age", **Future**, 23(q) November: 915-934.

Mumford, L. (1934) **Technics and Civilization**, New York, Harcourt Brace.

Naisbitt, J. (1984) **Megatrends: Ten New Directions Transforming Our Lives**, New York, Futura.

Offe, C. (1985) **Disorganized Capitalism**, Cambridge, Polity Press.

Office of Technology Assessment (1990) **Critical Connections: Communications for the Future**; Washington, Dc, US Congress, January.

Porat, M.U. (1978) "Communication Policy in An Information Society", in Robinson; 3-60

Poster, M. (1990) **The Made of Mode of Information; Poststructuralism and Social Context**; Cambridge, Polity Press.

Roszak, Th. (1986) **The Cult of Information: The Folklore of Computers and the True Art of Thinking**; Cambridge, Lutterworth Press.

Soja, E. (1996) **Third Space**; Cambridge, MA and Oxford, Blackwell Publisher.

Stonier, T. (1983) **The Wealth of Information; A Profile of the Post-industrial Economy**, Thames, Methuen.

Stonier, T. (1990) **Information and the Internal Structure of the Universe: An Exploration in to Information Physics**, Springer-Verlag.

Toffler, A. (1980) **The Third Wave**, New York, Collins.

Yearbook of Telecommunication and Society, (1999) Heidelberg.

سخن، اینک «نظریه پردازان اجتماعی باید در مورد تکنولوژی‌های جدید اطلاع‌رسانی و تبعات آنها نظریه‌پردازی کنند و فعالان سیاسی نیز باید راهکارهایی برای استفاده از این تکنولوژی‌ها و نحوه ارتقای دگرگونی‌های سیاسی مترقی ارائه دهند. به علاوه، هر کدام از افراد جامعه نیز باید تعیین کنند در فضاهای ارتباطاتی جدید الکترونیک و متأثر از تکنولوژی‌های جدید اطلاع‌رسانی، چگونه زندگی خواهند کرد یا چگونه می‌خواهند در برابر تکنولوژی‌های جدید اطلاع‌رسانی و فضاهای ارتباطاتی الکترونیک جدید صف‌آرایی نمایند و اینکه نهایتاً در این صف‌آرایی قدرتمند خواهند بود یا فاقد قدرت». (Kellner, 1999:204)

□ منابع:

Baudrillard, J.(1983) **In The Shadow of The Silent Majorities or The End of The Social and Other Essays**, Translated by Paul Foss, John Johnson and Paul Patton, New York, Semiotext.

Baudrillard, J. (1993) **Symbolic Exchange and Death**, London, Sage.

Best, S.and Kellner, D. (1997) **The Post-modern Turn**, New York, Guilford Press.

Castells, M. (1989) **The Informational City: The Space of Flows**, Oxford, Basil Blackwell.

Douglas, J. and Olshaker, M. (1996) **Unabomber, On the Trial of American's Most Wanted Serial Killer**, New York, Pocket Books.

Drucker, P.F. (1969) **The Age of Dicontinuity**, New York, Heinemann.

Evans, Ch. (1979) **The Mighty Micro: The Impact of the Computer Revolution**, New York, Gollanez.

Feenberg, A. (1991) **Critical Theory of Technology**, New York, Oxford University Press.

Gates, W. (1995) **The Road Ahead**, New York, Viking.

Gouldner, A.W. (1979) **The Future of Intellectuals and the Rise of the New Class**, New York, Macmillan.

Karunaratne, N.D. (1986) "Issues in Measuring the Information Economy", **Journal of Economic Issues**; 13(3): 51-68.

Kellner, D. (1989a) **Critical Theory: Marxism and Modernity**, Cambridge, Polity Press and Baltimore, Johns Hopkins University Press.

Kellner, D (1989b) **Jean Baudrillard: From**